



صرف گسترده کردن سفره اقتصاد کشور و تولید ناخالص ملی شود به زبان دیگر سرمایه صرف گسترش و بزرگ شدن میدان اقتصاد کشور باشد.

این جز با حضور مردم امکان پذیر نیست. در سرآغاز اقتصاد نسبت مردم و باور و اعتماد آنها به آینده گاهی سرنوشت تحول هارامشخص می کند. ما مردم را به نحوی از اقتصاد کنار گذاشتیم و رهبری از آن به عنوان اشتباه نسل خودشان یاد کرده اند. مردم از طرفی کارگر یا کارمند دولت اند و در قبال خدمات و ساختن در شرکت ها و... دستمزد و رفاه طلب می کنند و از طرف دیگر دولت متولی ساخت در داخل است و آنچه که از خود رو... ساخته می شود را مردم برعهده نمی گیرند و به قول بعضی خودروسازان روی آن غیرت ندارند. اصلاً بخشی از افسانه ضعف برند ایرانی را باید از اقتصاد فرصت طلب دولتی شنید. واضح است که وقتی مردم در میدان تولید نباشند، این مسیر چشم انداز بهتری نخواهد داشت. اما برعکس وقتی که مردم فرزندان خود و خود را در میدان اقتصاد پیدا کنند و میدان حضورشان فراهم شود، اولاً شبیه درختی که ریشه های آن در عمق زمین است، اقتصاد ریشه هایی با حمایت و غیرت آنها پروری ساخته خود آنها دارد و ثانیاً سرمایه های آنها به سمت مسیرهای نوآور، مولد و تولیدی کشور می رود و از اثرات توری آن کاسته خواهد شد.

با در نظر گرفتن مطالب فوق، ایده های اقتصادی هم میدان هایی انضمامی برای عمل پیدا می کنند و صرفاً مناظره و بحث بر سر عقیده نیستند. این بسیار مهم است که ما بتوانیم از شرایط ایده ها و برنامه های خود آگاه باشیم. قوت ریل و جدا کردن



ما مردم را به نحوی از اقتصاد کنار گذاشتیم و رهبری از آن به عنوان اشتباه نسل خودشان یاد کرده اند. مردم از طرفی کارگر یا کارمند دولت اند و در قبال خدمات و ساختن در شرکت ها و... دستمزد و رفاه طلب می کنند و از طرف دیگر دولت متولی ساخت در داخل است و آنچه که از خود رو... ساخته می شود را مردم برعهده نمی گیرند و به قول بعضی خودروسازان روی آن غیرت ندارند. اصلاً بخشی از افسانه ضعف برند ایرانی را باید از دولتی شنید



سرنوشت مردم از سرنوشت دلار، جز با اقتصاد مردمی و فناوری امکان پذیر نیست. همچنین مسیری که تحت عنوان خصوصی سازی در این سال هاطی شده نیز بدون چشم انداز فناوری و تولید ناقص و سرشار از فساد بوده است. حتی به تجربه های موفق در کره، فرانسه و... هم توجه نشد و خصوصی سازی با واگذاری زمین، تجهیزات و... آن کارخانه یکی دانسته شد. در تمام تجربه های موفق خصوصی سازی واگذاری نیست و این زیرساخت ها شبیه تولید پول برای بزرگ تر شدن میدان اقتصاد و صفر کردن هزینه های اولیه تولید، نوآوری و فناوری به کار رفته اند و مسأله آباد شدن و ارتقای آن واحد بسیار بیشتر از پیشنهاد پرداختی به دولت اهمیت داشته است پس باید به شرکت های دانش بنیان در خصوصی سازی زیرساخت های صنعتی و تولیدی دولتی بیشتر توجه کنیم.

۳- علم، فناوری و حلقه میانی نخبگان

ما اغلب راه علم و فناوری را بسیار ساده می انگاریم و از دشواری های آن نمی پرسیم. علم چیزی است که در دانشگاه ها و مراکز علمی به صورت تخصصی و توسط نخبگان دنبال می شود. همان طور که هرکس کاری دارد و در تخصص خود مشغول است و از دیگری اطلاعی ندارد، اهالی علم هم به توسعه و تحقیق در مرزهای دانش مشغول اند و مردم هم از آنها بی خبر. اصلاً فاصله تخصص با عموم مردم زیاد است و به نسبت آنها با دانشگاه و علم و پژوهش نیازی نیست. اما دشواری اینجا ظهور می کند که دانشگاه در تجرد از موقعیت و خواستگاه خود به علم شماری و تبدیل علم به داده و نمایه روی می آورد و فهم دانشجویان دانشگاه هم می شود ابزاری برای ثروت، پرستیژ، موفقیت یا مهاجرت و مدرسه و علم نه تنها میان